

## جایگاه آموزش حقوق شهروندی بر کاهش خشونت پلیس

سروش امیری\*

دکترای روابط بین الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

علیرضا احدنژاد

دانش آموخته کارشناسی ارشد

### چکیده

زمینه و هدف؛ پلیس به‌عنوان مهم‌ترین نیرویی که حفظ امنیت داخلی را بر عهده دارد، اما در راستای تأمین حقوق شهروندان، در روند کاری خود مرتکب خشونت و تعرض به آزادی یا امنیت یا حقوق شهروندی شهروندان می‌شود. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی درصدد تبیین راهکاری برای برون‌رفت از این خشونت و تعارض درونی وظایف پلیس است. براین اساس مفروض مقاله آموزش هدفمند حقوق شهروندی سبب کاهش خشونت و تعرض به آزادی یا امنیت شهروندان می‌شود. ارائه آموزش‌های لازم برای روشن شدن اذهان عمومی نسبت به حقوق شهروندی و چگونگی صیانت آن توسط پلیس، برخی برداشت‌های نادرست را از میان بر می‌دارد. آموزش حقوق مورد احترام شهروندان به پلیس نیز موجب می‌شود اجزاء این نیروی امنیتی، از خشونت و تعرض به حقوق شهروندان، هرچند متهمین و مجرمین بپرهیزند تا از این رهگذر، کارآمدی پلیس در تأمین حقوق شهروندی حاصل شود.

### کلید واژه‌ها

حقوق شهروندی، آموزش، حقوق بشر، پلیس، امنیت، حقوق متهم.

\* Email: suroush.jnu@gmail.com.

کارآمدی هر نهاد، در برداشت عمومی، عبارت است از رسیدن به اهداف موردنظر آن نهاد، در کوتاه‌ترین مدت و با کمترین هزینه. پلیس، به‌عنوان نیروی امنیتی که وظیفه برقراری نظم و امنیت اجتماعی را به عهده دارد، از یک‌سو وظیفه تضمین بخشی مهمی از حقوق شهروندی، مانند حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان را متقبل می‌شود و از سوی دیگر، به‌هنگام انجام وظائف خود، بنا به ارتباط مستقیم با شهروندان، ممکن است اقداماتی صورت دهد که به‌حق یا ناحق، به‌عنوان تضییع حقوق شهروندی تلقی گردد. امروزه، توجه به حقوق شهروندی و پاسداری از آن به یکی از گفتمان‌های پرطرفدار در عرصه حقوق داخلی و حتی حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. در ضرورت صیانت از حقوق شهروندی تردیدی نیست؛ اما تعیین گستره این حقوق، محدودیت‌های ناشی از مصالح اجتماعی، سیاسی و امنیتی، موجب بروز چالش‌هایی برای نهادهای مرتبط از جمله پلیس می‌شود. یافتن مرز حقوق شهروندی تضمین شده، کمک شایانی به حل چالش رویاروی پلیس خواهد نمود. توضیح این‌که، اگر مشخص شود چه زمانی حقوق شهروندی محترم‌اند و چگونه ممکن است تمام یا بخشی از آن از شهروند سلب شود، می‌توان پاسخ روشنی به مسأله‌ای که همواره پیش روی پلیس است، داد. نظر به ضرورت شناخت اجمالی از حقوق شهروندی، به‌ویژه در کشور ما که متأثر از موازین قانونی و تعالیم اسلامی است، باید این مفهوم با ویژگی مورد اشاره در کشور مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد. این مقاله با **روش** توصیفی تحلیلی درصد تبیین راهکاری برای برون‌رفت از این خشونت و تعارض درونی وظائف پلیس است. بر این اساس مفروض مقاله آموزش هدفمند حقوق شهروندی سبب کاهش خشونت و تعرض به آزادی یا امنیت شهروندان می‌شود. ارائه آموزش‌های لازم برای روش نشدن اذهان عمومی نسبت به حقوق شهروندی و چگونگی صیانت آن توسط پلیس، برخی برداشت‌های نادرست را از میان بر می‌دارد. آموزش حقوق مورد احترام شهروندان به پلیس نیز موجب می‌شود اجزاء این نیروی امنیتی، از خشونت و تعرض به حقوق شهروندان، هر چند متهمین و مجرمین بپرهیزند تا از این رهگذر، کارآمدی پلیس در تأمین حقوق شهروندی حاصل شود. نظر به این‌که، ارائه ملاک و معیار روشن برای تعیین حقوق شهروندی حمایت‌شده، بدون توجه به مقررات مرتبط امکان‌پذیر نیست، اشاره به اهم مقرراتی که حقوق شهروندی را مشخص می‌کند، ضرورت می‌یابد. درنهایت جایگاه آموزش حقوق شهروندی در کارآمدی پلیس با تأکید بر مقررات و موازین تعیین‌کننده این حقوق مورد اشاره قرار می‌گیرد.

## مفاهیم، مبانی تاریخی و نظری

### حقوق شهروندی

«شهروند» مرکب از دو کلمه «شهر» به‌معنای جامعه انسانی و «وند» به‌معنای عضو وابسته به این جامعه است. در مورد اصطلاح «شهروند»، توضیحات مفصلی ارائه می‌شود (میلر، ۱۳۸۳: ۱۲۶). که پرداختن به آن از حوصله این نوشته خارج است، اما مسلم این‌که، به‌صرف جمع‌شدن افراد در مکانی خاص و تشکیل اجتماع انسانی، شهر و به‌تبع آن شهروند به وجود نمی‌آید. به‌عبارت‌دیگر، اجتماع انسانی شرط لازم شهروندی محسوب می‌شود، ولی شرط کافی نیست. افراد زمانی لقب شهروند را به خود می‌گیرند که حقوق و تکالیف خود را بشناسند و به آن عمل کنند. در این صورت، شهر تشکیل شده و شهروند معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بنابراین، شهروندان به‌عنوان اعضاء رسمی شهر و اتباع کشور، حقوق و وظائفی دارند که ضامن حرمت و جایگاه ایشان است. هر چند حقوق و مسئولیت‌های شهروندان به‌طور کامل در قوانین پیش‌بینی نمی‌شود، اما مهم‌ترین آن‌ها در قوانین داخلی و حتی مقررات بین‌المللی احصا شده‌اند. به‌رحال، جامعه نیازمند مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، امور سیاسی و حتی مسائل خانوادگی بر اساس آن، سامان یابد. حقوق

شهروندی شامل حقوق و تکالیف مردم در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن می‌شود. همچنین، نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین اصولی دانست که منشعب از حقوق اساسی کشور است (شکری، ۱۳۸۶: ۸۰). از این‌رو، بخش قابل‌توجهی از این مفاهیم در قانون اساسی می‌آید. از تأکید بر شهر در حقوق شهروندی باید فراتر رفت و شایسته است آن را مترادف حقوق اتباع کشور بدانیم. همچنان که گاهی، شهر در مفهوم حقوق شهروندی، مترادف با «ملت گسترده» گرفته می‌شود (میلر، ۱۳۸۳: ۱۳۰)؛ زیرا نمی‌توان این حقوق را در روابط هم‌شهریان یا مسئولین شهرها با مردم بررسی کرد، بلکه باید در روابط هم‌میهنان یا دولتمردان با اتباع، مورد جستجو قرارداد. تجربه شهروندی، همواره مقید به مرز بوده است. ابتدا شهروندی در داخل مرزهای دولت کشور و سپس شهروندی در چارچوب محدودیت‌های دولت - ملت. (شکری، ۱۳۸۶: ۱۳۴). پرسشی که ممکن است در این خصوص مطرح شود این است که آیا حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از حقوق، وظایف و مسئولیت‌های شهروندان کشور در قبال یکدیگر و دولت یا قوای حاکم و یا تنها شامل حقوق و امتیازاتی است که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده دولت یا به‌طور کلی قوای حاکم هست؟

به نظر می‌رسد حقوق شهروندی در معنای اخص، تنها شامل جنبه مثبت اخیرالذکر باشد، به میان می‌آید، جنبه سلطه و توان مطالبه مطرح است تا «حقوق» زیرا هرگاه سخن از چائی که برخی حقوقدانان مانند دابن<sup>۱</sup> بلژیکی، حق را به معنی تعلق و تسلط تعریف می‌کنند (ساکت، ۱۳۷۱: ۴۵). با وجود این، در معنای گسترده، می‌توان حقوق شهروندی را به وظائف و مسئولیت‌های ناشی از زندگی اجتماعی نیز سرایت داد. برخی معتقدند از منظر جمهوری‌گرایانه، شهروندی بیشتر متضمن تعهدات است. این نگاه بیشتر مشتمل بر تقویت و ارتقای منافع مشترک جامعه سیاسی است (میلر، ۱۳۸۳: ۱۲۸). شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی است. این حقوق و تکالیف، اگرچه فردی می‌باشند، اما برآیند آن‌ها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع، این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی، در نگاه کلی‌تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. دریافت این مفاهیم شهروندی نیازمند فضایی مناسب برای گفت‌وگو و مشارکت مردم با نقطه نظرات متفاوت و نظارت عمومی است.

### پیشینه حقوق شهروندی

#### اول؛ ریشه‌های تاریخی حقوق شهروندی در غرب

حقوق شهروندی یکی از مبانی فکری دموکراسی و مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۶). واژه شهروند از حقوق یونان باستان است که در مورد ساکنین یونان به کار می‌رفته و دارای دو درجه بوده یکی شهروند درجه یک که به ساکنان اصلی یونان و شهروند درجه دو به بزرگان و دیگر افرادی که یونانی نبوده‌اند اما ساکن یونان بوده‌اند اطلاق می‌شد. تعریف شهروندی از دولت‌شهرهای یونان باستان ارتباط فرد به هر دولت‌شهر بوده است. شهروندان دولت‌شهرهای یونان خود را بافضیلت‌ترین انسان‌ها نسبت به سایر اقوام می‌دانستند و ملت‌های دیگر را وحشی خطاب می‌کردند ولی با تشکیل اجتماعات مختلف و اعطای شهروندی به آن‌ها از ادعای برتری خود عقب‌نشینی کردند و حقوق دیگران را به رسمیت شناختند. مفهوم شهروندی در یونان باستان به معنی داشتن حقوق و تکالیف یکسان نزد

قانون و نیز مشارکت در امور سیاسی و عمومی جامعه وجود داشت. حقوق شهروندان اساس تفکر متفکران دوران رنسانس را تشکیل داد و در نظر آنان انسانیت فرد تنها به‌عنوان شهروند برخورد از حقوق خود در جامعه آزاد تحقق می‌یابد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۶). جنگی که در سال ۱۲۱۴ میلادی بین انگلستان و فرانسه صورت گرفت که نتیجه این جنگ باعث شکست انگلیس و صدور منشور کبیر یا ماگناکارتا بود. که این منشور نقطه عطفی در تحولات سیاسی و اجتماعی است دربندهای این منشور به آزادی سیاسی و اجتماعی پرداخته و همچنین گرفتن هرگونه مالیات منع مگر به اجازه شورای عمومی که آن را تأیید کرده باشد و هیچ فردی از دو موهبت محروم نسازد، هیچ آزادمردی نباید بازداشت، زندانی، تبعید و محروم از حقوق اجتماعی و ... گردد مگر به حکم مشروع (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۶). چنانچه ماگناکارتا را مهم‌ترین فراز از حقوق شهروندی در قرون وسطا به شمار نیاوریم باید آن را یکی مهم‌ترین دست آورده‌های بشر در ایجاد حقوق شهروندی در این دوران دانست. این منشور دارای آن‌چنان اهمیتی است که باید آن را با انقلاب کبیر فرانسه مقایسه کرد. مفهوم شهروندی همانند سایر مفاهیم اجتماعی دچار تحولات فراوانی شده است. شاید بتوان نقطه عطف این تحولات را انقلاب کبیر فرانسه دانست که مفهوم شهروندی در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۷۱۹ کشور فرانسه به اوج شکوفایی خود رسید. جایی که مجلس انقلابی فرانسه درخواست کردند به‌عنوان قدمی در راه دموکراسی همگانی عنوان شهروند فرانسه وی به همه فیلسوفان خارجی که با شجاعت از اصل آزادی دفاع کرده و شایستگی بشری را داشته‌اند اعطا شود پیام انقلاب فرانسه به همان آزادی نوع بشر مورد استقبال دیگر روشنفکران و عامه اروپائیان و سپس جهانیان قرار گرفت. از نظر ژان ژاک روسو مفهوم شهروندی به‌معنای ترجیح خیر و صلاح عمومی بر منافع خصوصی است و بر این اساس شهروند ایدئال کسی است که بتواند مصلحت عموم را اداره کند و منافع عمومی را بر منافع فردی ترجیح دهد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۶). در اوایل قرن ۱۹ دموکراسی کم‌کم رو به ترقی و توسعه نهاد و سرانجام سبب شد تا مفهوم شهروند که متضمن حقوق فرد در برابر رژیم است جای رعیت را که آمیزه‌ای از الزام و تبعیت بود بگیرد در این زمان حقوق شهروندی امری نبود که تابع اراده سلاطین و امپراتوران باشد که یکی بدان معتقد باشد و در ایجاد و ارتقای آن تلاش کند و دیگری بدان بی‌علاقه و بی‌اعتماد باشد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۷). یکی از مهم‌ترین آثار انقلاب کبیر فرانسه جنبش‌گرایی به‌سمت قانون اساسی است که یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های کنونی حقوق شهروندی است (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۹). لازم به ذکر است که مفهوم شهروندی در جهان امروز از جهات مختلف مورد تهدید قرار گرفته است یکی تأکید فزاینده‌ی دولت‌های ملی بر هویت‌های قومی، ملی، هویت افراد را به‌عنوان شهروند و در یک جامعه دموکراتیک محدود می‌سازد و جهانی‌شدن نیز که آثار خود را در ابعاد مختلف به‌صورت روزافزون نمایان می‌سازد باعث محدود نمودن دولت‌های ملی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوق اجتماعی و غیره گردیده است و چارچوبی را به‌عنوان حقوق بشر برای ترسیم مفهوم شهروندی و تعیین حقوق مربوط به آن تخمین نمود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۸).

## گفتار دوم: ریشه‌های تاریخی حقوق شهروندی در ایران

### بند اول: ایران باستان

به‌اعتقاد بسیاری از مورخین و محققین، نخستین و قدیمی‌ترین سند تاریخی در زمینه حقوق بشر فرمان کورش کبیر پس از فتح بابل است (شیروانی، ۱۳۸۷: ۱۶). در اسنادی که از تخت جمشید به‌دست‌آمده عباراتی مشاهده می‌شود که خواندن و بازخواندن آن غرور انسانی در ما ایجاد می‌کند در ساختن تخت جمشید هیچ‌کس به بیگاری گرفته نشده و از اسنادی که به‌دست‌آمده نشان‌دهنده پرداخت حقوق کارگران بوده است و همچنین حقوق و مزایای اشخاص از هر ملیتی را نشان می‌دهد. سازوکار حکومت پارس مبتنی بر اراده پادشاهان بود و پارسیان به این فخر می‌کردند که قوانین پادشاه

تغییرناپذیر و نباید ترک شود و تصمیمات شاه در نظر عوام همچون وحی اهورامزدا نازل می‌شود. به این ترتیب قوانین مشیت الهی داشتند و سرپیچی از آن، سرپیچی از فرمان پروردگار بود. قوه قضائیه عالیه در اختیار پادشاه بود و محاکم از نظم و انضباط خاصی برخوردار بودند. محاکم همان‌طور که برای جرائم کیفر و جزای نقدی تعیین می‌کردند کارهای نیک و احسان آن شخص را در نظر می‌گرفتند و به او پاداش می‌دادند، مدت‌زمان‌های برای رسیدگی مشخص بود که باید حکم در ظرف این مدت صادر شود و به‌مرور زمان سوابق قضایی زیاد شد و گروهی را به‌عنوان سخن‌گویان قانون تشکیل دادند که مردم از آن‌ها در دعوایشان مشورت می‌گرفتند و رشوه گرفتن در آن زمان یکی از جنایات‌های بزرگ به شمار می‌آمد و زنان از منزلت عالی برخوردار بودند (دورانت، ۱۳۶۵: ۴۳۳). در قرن ششم قبل از میلاد کورش فرمانروای هخامنشیان و بنیان‌گذار امپراتوری ایران منشوری را تنظیم کرد که در آن آزادی مذاهب و آزادی ملل بیگانه مورد توجه قرار گرفته بود طبق این منشور کورش با احترام به اعتقادات مردم و خوش‌رفتاری نسبت به آن‌ها به آنان امنیت اعطا نمود و نیازمندی‌های بابل و همه پرستشگاه‌های آن‌ها را از نظر گرفته و در بهبود وضع آن‌ها کوشیده است و کورش در این منشور اعلام می‌دارد که لشکر بزرگ به‌آرامی وارد بابل شود و به کسی صدمه‌ای وارد نکند و کورش می‌گوید من برای صلح کوشیدم و برده‌داری را برانداختم. مردم را در پرستش خدای خود آزاد گذاشتم و قوم یهود را رهایی بخشیدیم. زیبایی معماری باستانی تخت جمشید که روی ستون بزرگی کتیبه ذیل‌الذکر داریوش امپراتور ایران حک شده است می‌گوید «من این‌چنینم که دوستدار حقیقت و راستی هستم من دوست‌دار خطا و نادرستی نیستم. اینکه نسبت به انسان ضعیف به‌وسیله انسان توانمند بی‌عدالتی صورت گیرد مطلوب من نیست و درعین‌حال مطلوب نیست که به انسان توانمند توسط انسان ضعیف بی‌عدالتی شود آنچه حق است مطلوب من است» (ممتاز، ۱۳۷۷: ۸۹). روی کندوکاری‌های تزئینی پرسپولیس شکل‌هایی از پادشاه حک شده که سمبل بدی را می‌کشد زردشت نسبت به پست‌ترین رعیت مفهومی از کرامت اعطاء کرده که هیچ امپراتوری نمی‌تواند او را از آن محروم کند که این لویح همه هدیه ایران به جامعه جهانی است. بنابراین آنچه از دوران باستان، سنگ‌نوشته‌ها و لویح و اسناد به‌جامانده همه نشان‌دهنده رعایت حقوق شهروندی است هرچند که با حمله اسکندر بسیاری از این گنجینه‌های با ارزش از بین رفت.

### بند دوم: ایران پس از اسلام

ایران یکی از کشورهای متمدن بوده که تأثیرگذاری آن بر ممالک اسلامی دیگر کشورهای جهان برکسی پوشیده نیست. اعراب پس از انقراض دولت ساسانی در ایران، خود را با یک تمدن کهن‌سال و ریشه‌داری روبه‌رو دیدند و از ایرانیان فنون زیادی اقتباس کردند اما تأثیر اعراب بر ایرانیان فقط در پذیرش دین اسلام و نظام‌های اجتماعی بود به‌عبارت‌دیگر ایرانیان هم آداب‌ورسوم اعراب را نپذیرفتند بلکه تحصیل علوم خدانشناسی، تاریخ و سایر علوم و کتب و... متأثر و تسلط اعراب را بر ایرانیان هست. در این دوران حقوق شهروندی تابعی از اندیشه‌ی سیاسی حاکمان بود. منهای دوران رسول خدا در بخش اعظم پس از حکومت خلفای راشدین جامعه اسلامی به‌صورت رجعی به‌سوی اندیشه‌های جاهلی داشت و درباری معاویه بیش از آن که دارالخلافت نماینده رسول‌الله باشد محلی برای برتری طلب قوم عرب بود (حسینی، ۱۳۸۵: ۳۷). حقوق شهروندی و آزادی عمومی که اسلام منادی آن بود در مورد بخش‌های عمده امپراتوری عظیم اسلام به‌فراموشی سپرده شد به‌طوری‌که در زمان خلیفه سوم ملاحظاتی قبیله‌ای دیده می‌شود و تلاش‌های امام علی<sup>(ع)</sup> برای بازگرداندن امور به مجریان شریعت با مشکل روبه‌رو شد و جامعه اسلامی پس از امام علی<sup>(ع)</sup> به‌شدت با اضمحلال حقوق مردم و شهروندان مواجه شد (عبدالمقصود، ۴۰۳).

## حقوق شهروندی در آموزه‌های اسلام

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های مشترک ادیان الهی، اثبات کرامت انسانی است. در روایات اسلامی نیز آمده است که از دست کسی که در وجود خود احساس کرامت نمی‌کند، مصون نیستید و یا در جای دیگر گفته شده است که کسی که در وجود خود احساس کرامت می‌کند، آن را به گناه نمی‌آید<sup>۱</sup> (غررالحکم: ۶۷۷). مفهوم فطرت در اسلام، معنای کاملی را در بیان قدر مشترک انسان‌ها دارد. فطرت در معنای خاص، در برابر طبیعت قرار می‌گیرد. اسلام با پذیرش دو بعد طبیعی و روحانی برای انسان، اصالت را به روح می‌دهد. فطرت در این معنا، حکایت از روح مجرد و ملکوتی انسان دارد. روح انسان‌ها از دمیده شدن روحی الهی ارزشمند شده است.

فطرت، ویژگی‌هایی دارد که برای اثبات حقوق بشر و شهروندی، ما را به مطلوب می‌رساند: **یک**: همگانی است. یعنی همه افراد، فارغ از دین و دولت، از آن برخوردار هستند. **دو**: موهبتی و غیراکتسابی است و همه انسان‌ها از بدو تولد از آن برخوردارند. از این رو، برای اثبات وجودش نیازی به احراز شرایط و مقدمات خاصی نیست.

حق آزادی، تعالی و کمال همگانی است؛ چراکه هماهنگی تشریح و تکوین، طلب می‌کند که انسان‌ها بتوانند به‌غایت مطلوب از خلقت جهان که همان کمال و تعالی است، دست یابند و این امر میسر نمی‌شود جز با اختیار و آزادی انسان‌ها در انتخاب راه و حرکت به‌سوی کمال.

با توجه به آنچه گفته شد، منشاء حقوق در اسلام یا فطرت است یا طبیعت. البته، سهم این عناصر در تکوین حقوق بشر به یک اندازه نیست و در تعارض میان این ریشه‌ها، فطرت ارزش بالاتری دارد و هموست که انسان را به هدف غایی‌اش یعنی کمال رهنمون می‌شود.

بنابراین، حقوق شهروندی از جمله دستاوردهای مثبت بشری است که در بسیاری از موارد مورد تأیید دین مبین اسلام نیز هست. حقوقی از جمله حق حیات، حق آزادی بیان و انتقاد، حق تعیین سرنوشت، حق امنیت، حق برابری و عدم تبعیض و مانند آن، همگی مورد تأیید و تأکید اسلام هستند و حتی آیات صریحی نیز در خصوص آن‌ها وجود دارد که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود؛

✓ حق حیات

چون از شما پیمان محکم گرفتیم که خون همدیگر را نریزید<sup>۲</sup> (بقره، ۸۴).

هر کس دیگری را جز برای قصاص یا مبارزه با فسادگری بکشد، گویی همه مردم را کشته است<sup>۳</sup> (مائده، ۳۲).

✓ حق آزادی (آزادی بیان، دین و سایر آزادی‌های مشروع).

با اهل کتاب جز با شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نکنید<sup>۴</sup> (عنکبوت، ۴۶).

در قبول دین اکراهی نیست، راه درست از راه انحرافی روشن شده است<sup>۵</sup> (بقره، ۲۵۶).

۱- حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه»

۲- و اذ اخذنا میثاقکم لاتسفکون دماءکم و لا تخرجون ...

۳- مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا.

۴- و لا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن.

۵- لا اکراه فی الدین قد تبیین الرشد من الغی ...

## ✓ حق امنیت

ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه‌ای مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبانش انس (اجازه) ندارید، وارد نشوید و چون رخصت یافتید و داخل شدید، نخست به اهل آن خانه تحیت و سلام کنید که این برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید تا اجازه یابید و آنگاه درآیید و چون به خانه‌ای درآمید و گفتند بازگردید، زود بازگردید که این برای تنزیه شما بهتر است و خداوند به هر چه می‌کنید، داناست<sup>۱</sup> (نور ۲۸).

## ✓ حق برابری و عدم تبعیض

ای مردم، ما شمارا از یک مرد و یک زن آفریدیم و شمارا به صورت جماعت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا با یکدیگر آشنا شوید؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. خدا دانا و آگاه است.<sup>۲</sup> (حجرات ۱۳).

## ✓ حق آموزش

برابر آموزه‌های دینی، نه تنها آموزش حق بشر است، بلکه حکمت ارسال رسل و تشریح شرایع، تعلیم و آموزش انسان‌ها عنوان شده است. همچنان که در قرآن می‌خوانیم: «همان‌گونه رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه نمی‌دانستید، به شما یاد دهد»<sup>۳</sup> (سوره بقره، آیه ۱۵۱).

## بند سوم: دوران معاصر

در تاریخ معاصر ایران، چندان نمی‌توان جایی برای حقوق شهروندی پیدا کرد. نظام سلطانی بر ایران، چندان توجهی به آرا و حقوق مردم نمی‌نموده است. یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران نیز توجه به همین نقض حقوق مردم بود. در ادبیات فارسی نیز چندان نمی‌توان ریشه‌های حقوق انسان را جز در ادبیاتی پراکنده و نامدون نظیر «... بنی‌آدم اعضای یکدیگرند» یافت و چون ضمانت اجرای چندان نداشته است، به صورت اندرزهای اخلاقی و حکمت مانده است. یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیرکبیر صادر شد که در آن بر رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آن‌ها تأکید شده است.<sup>۴</sup> عدم رعایت این قوانین در سال‌های حکومت خاندان پهلوی در ایران بسط یافت و در تمام شئون حقوق مردم نفی و مورد انکار قرار گرفت. وجود شکنجه‌گاه‌های مخوف و دادگاه‌های بی‌دادگر، از بارزترین مصادیق نقض حقوق شهروندی در این دوران است. خاطرات مبارزان پیش از انقلاب گواه این مدعا است. با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر اجرای قوانین شرع، منع شکنجه، تشکیل دادگاه‌های عدل و روند منصفانه دادرسی‌ها، از اقدامات اولیه در اصلاح و تأسیس نهادهای قضایی و جزایی در ایران بوده است.

۱- یا ایها الذین امنوا لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم، ...

۲- یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم، ...

۳- کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یرکبکم و یعلمکم الکتاب و الحکمۃ و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون.

۴- «در این وقت از قرار شکایاتی که مقرون سمع همایونی افتاد، حکام ولایات مکرر بندگان خدا را خواه به جهت اقرار تقصیری که متهم می‌شوند و خواه محض ابراز جایی که اموالشان پنهان بوده، به شکنجه می‌گذاردند. چنین حرکتی منافی مروت و احکام شرع و خلاف رأی اقدس شهرباری است. لهذا قدغن می‌فرمائیم که به هیچ وجه متهمین را به شکنجه نگذارند. پس از آنکه تقصیر متهمین ثابت و محقق گردید، به اندازه تقصیرشان گرفتار همان سزای شرعی و عرفی می‌گردند. حکام ولایات مزبور به هیچ وجه کسی را به شکنجه آسیب نرسانند و مراقب باشند اگر احدی مرتکب چنین عملی گردد، مورد مواخذه و سیاست خواهد شد. می‌باید حسب المقرر معمول داشته تخلف و تجاوز از مدلول حکم قضا شمول ننمایند» (۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۲۶).

حضرت امام خمینی<sup>(۵)</sup>، در تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۴، یعنی پس از گذشت نزدیک به ۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، فرمان هشت ماده‌ای خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان‌های اجرایی در خصوص حقوق شهروندی صادر کردند و نشان دادند که این حقوق، بخشی از گفتمان جمهوری اسلامی است نه در تعارض با آن.

در ماد اول این فرمان به تهیه قوانین شرعی و تصویب و ابلاغ آن‌ها اشاره شده است. در ماده دوم و سوم، رسیدگی به صلاحیت شخصی قضات مورد تأکید است. به موجب ماد چهارم «هیچ‌کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعی باید باشد توقیف نماید هرچند مدت توقیف کم باشد، توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است».

وفق بند پنجم: «هیچ‌کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن‌هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی». در بند ششم نیز به حرمت‌خانه و محل کار شخصی اشاره شده است.

فرمان حضرت امام در خصوص لغو گزینش‌ها در همان سال نیز در همین چارچوب قرار می‌گیرد. در عین حال، استفاده از واژه حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی، بعد جامع‌تری یافت. در سال ۱۳۸۳، قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستور کار واحدها گردید. رئیس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود. بنابراین، مفهوم شهروندی و شهروندی، به گونه قابل ملاحظه‌ای در طول هزاران سال گذشته، دچار نوسان بوده و نقاط عطف آن، آتن سده چهارم، دوره رنسانس و انقلاب فرانسه هست که موضوع شهروندی به‌طور برجسته‌ای مورد توجه واقع شد. در سده اخیر، به دلیل تبادل سریع اطلاعات و بالا رفتن میزان آگاهی جهانیان نسبت به حقوق خود، توجه به حقوق شهروندی از مرزهای اروپا فراتر رفته و در قوانین داخلی کشورها و نیز منشورها و معاهدات بین‌المللی مانند منشور حقوق سیاسی و مدنی وارد شده است.

## موانع و چالش‌های حقوق شهروندی

### الف- موانع و چالش‌های قانونی

اصل بیستم قانون اساسی با تصریح به این‌که همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند، زمینه گسترش و توسعه حقوق همه افراد را فراهم کرده است. عبارت حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی و به‌طور خاص در این اصل مانند سایر عبارت‌های مشابه مبهم است. در ابتدای امر، ممکن است معنای اتباع از واژه ملت به ذهن متبادر شود. با وجود این، با توجه به سایر اصول مندرج در فصل سوم ملاحظه می‌شود که قانون‌گذار به مفهومی فراتر از اتباع توجه داشته است. برای مثال، حق آزادی شغلی (اصل ۲۸)، منع بازداشت خودسرانه (اصل ۳۲)، منع اقامت اجباری (اصل ۳۳)، حق دادخواهی (اصل ۳۸)، فرض بی‌گناهی (اصل ۳۷)، منع شکنجه (اصل ۳۸)، منع هتک حرمت (اصل ۳۹) و منع اضرار به غیر (اصل ۴۰). از مواردی هستند که نمی‌توان آن‌ها را به اتباع ایران محدود کرد. افزون بر این، عبارت «حقوق انسانی» در اصل بیستم قانون اساسی گویای مفهومی فراتر از حقوق ویژه اتباع ایران بوده و تلقی نخستین از آن حقوق بنیادینی است که هر انسانی به‌صرف انسان بودن خود از آن بهره‌مند می‌شود.

قوه قضائیه به‌منزله قوهای مستقل، نهادی پشتیبان حق‌های فردی و اجتماعی و مسئول تحقق عدالت بر پایه قانون اساسی عهده‌دار وظایفی شده که مهم‌ترین آن دربرندهای پنج‌گانه اصل یک‌صد و پنجاه‌وشش قانون اساسی برشمرده شده



است. بر پایه بند دو این اصل، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع یکی از مهم‌ترین وظایف قوه قضاییه است که یکی از مجاری اعمال آن در بند دو اصل یک‌صد و پنجاه‌وشش تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است. عبارت «حقوق عامه» در این بند قانون اساسی نیز مانند حقوق ملت مفهوم مشخصی ندارد. از یک‌سو، می‌توان حقوق عامه را معطوف به حق‌های فرد فرد انسان‌ها شامل همه حق‌های متعلق به افراد انسانی دانست و از سوی دیگر، می‌توان حقوق عامه را در معنای حق‌های جمعی عامه مردم به کار گرفت. در معنای اخیر، «حقوق عامه» فقط دربرگیرنده حق‌هایی مانند بهره‌مندی از میراث مشترک بشریت، بهره‌مندی از کمک‌های بشردوستانه، بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم و موارد مشابه دانست که ویژگی آن‌ها بهره‌مندی و مسؤلیت همگانی در قبال تحقق آن‌ها است. در حقیقت، این تلقی مفهوم حقوق عامه را به مفهوم حقوق همبستگی یا همان حقوق نسل سوم حقوق بشر بسیار نزدیک می‌سازد. به نظر می‌رسد که تدوین‌کنندگان قانون اساسی با استفاده از عبارت «احیای حقوق عامه» بر این باور بوده‌اند که حقوق عامه مردم در نظام سیاسی پیش از انقلاب پایمال شده بود و بنابراین احیاء آن ضرورت دارد. بی‌گمان، منظور از این حق‌ها حقوق عامه در معنای مشابه با حقوق همبستگی نبوده، بلکه بیشتر ناظر به حق‌هایی مانند حق‌های مدنی و سیاسی است که در دوران پیش از انقلاب بیش از هر چیز در معرض تعرض و تعدی بود. فصل یازدهم قانون چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۶ / ۷ / ۱۳۸۳ با عنوان توسعه امور قضایی از ماده ۱۳۰ تا ماده ۱۳۴ به وظایف قوه قضاییه در ابعاد مختلفم پردازد. ماده ۱۳۰ قانون یادشده قوه قضاییه را موظف به تهیه و تصویب برخی لوایح کرده است؛ از جمله، بند «ه» ماده ۱۳۰ تهیه و تدوین لایحه حمایت و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد در راستای اجرای اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را جزء وظایف قوه قضاییه دانسته است. افزون بر آن، در شق سه بند «ز» قوه قضاییه را به «رفع هرگونه تبعیض قومی و گروهی، در قلمرو حقوقی و قضایی» مکلف کرده است. قانون‌گذار در ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم و در فصل ارتقاء امنیت انسانی و عدالت اجتماعی نیز دولت را موظف کرده که به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و... منشور حقوق شهروندی را مشتمل بر محورهای ذیل تنظیم و به تصویب مراجع ذی‌ربط برساند:

الف- پرورش عمومی قانون‌مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی؛

ب- تأمین آزادی و صیانت از آراء مردم و تضمین آزادی، در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن؛

ج- هدایت فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی به‌سمت فرایندهای قانونی و حمایت و تضمین امنیت فعالیت‌ها و اجتماعات قانونی؛

د- تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان؛

ه- ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی؛

و- حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد؛

ز- ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، نکات زیر را می‌توان مطرح کرد:

۱- با توجه به وظیفه دولت در تهیه منشور حقوق شهروندی، تهیه لایحه حقوق شهروندی توسط قوه قضاییه منطقی نیست؛

۲- آنچه به‌منزله وظیفه قوه قضاییه در بند «ه» ماده ۱۳ قانون برنامه چهارم ذکر شده، تهیه لایحه حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد... است و با توجه به این که در سال اخیر لایحه‌های با عنوان «لایحه حمایت از حریم خصوصی» توسط دولت تهیه شده، تدوین این لایحه وجاهت قانونی ندارد. زیرا، این وظیفه انجام شده انگاشته می‌شود.

در پاسخ به ایرادهای یادشده می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

۱- بی‌گمان، ماهیت مشهور که جنبه اعلامی دارد، با لایحه قانونی که جنبه الزامی دارد، بسیار متفاوت است. منشورها ضمانت اجرا ندارند و در پی فرهنگ‌سازی و ایجاد بستر برای تصویب قانون‌اند. بدیهی است که با توجه به فرایند طولانی تصویب قانون، قانون‌گذار خواسته که با تدوین چنین منشوری تجربه‌های لازم برای تدوین لایحه و در عین حال فضای لازم برای اجرای چنین قانونی فراهم شود. از این‌رواست که قانون‌گذار چنین وظیفه‌ای را برای دولت و قوه قضاییه به‌شکل جداگانه مطرح کرده است؛ ۲- تهیه لایحه حریم خصوصی توسط دولت چنانچه در چهارچوب قانون برنامه چهارم باشد، با این ایراد روبرو است که دولت لایحه‌ای را تنظیم کرده که مسؤولیت تنظیم آن را بر عهده نداشته است. بنابراین، باید بیرون از چهارچوب مقرر مندرج در ماده ۱۳۰ تفسیر شود. بدین ترتیب، تهیه لایحه حمایت از حریم خصوصی نفی‌کننده صلاحیت قوه قضاییه در ارائه لایحه حقوق شهروندی نیست.

### ب- موانع و چالش‌های مربوط به نگارش لایحه

در این زمینه، کافی است که به یک مورد کلی اشاره شود تا مشکلات تدوین چنین لایحه‌ای آشکار شود. حقوق شهروند به منزل نوعی زبان فلسفی و حقوقی جدید متضمن دو مفهوم حق و شهروند از یک سو و رابطه این دو از سوی دیگر است. این دو مفهوم در اندیشه پیشان مدرن وجود داشتند، ولی معنا و نسبت آن‌ها با دوران مدرن متفاوت بود. در نگرش کلاسیک، حق با حقیقت و راستی مرتبط بود و انسان با کیهان، ولی در روزگار مدرن حق و انسان متعلق به یکدیگر شدند (منوچهری، ۱۳۸۴: ۱۵۹) و هر یک تعبیری نوین یافتند. با این تحول، حق به زبان مشترک جهانی تبدیل شده و انسان نیز موجودی صاحب کرامت و ارزش ذاتی و بر همین پایه دارای حق‌ها و آزادی‌های بنیادینی شناخته شد.

#### ۱- ابهام در مفهوم حق

امروزه، زبان حق در جهان ما به زبانی مشترک و درک‌شدنی در گفت‌وگوهای مربوط به هدف‌های غایی انسان تبدیل شده و آن‌چنان در اجتماع نفوذ کرده که گویی تصور بقا و ادامه این وضع بدون حضور آموزه‌های حق امکان‌پذیر نیست. ایده حق متضمن این ادعاست که انسان باید مالک جهان اخلاقی خویش باشد. بدین ترتیب، اندیشه حق میان متفکران اروپایی به‌طور جدی مطرح شده و به لحاظ مفهومی تدوین و بسط یافت (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۵۲). در این روند، مفهوم حق از مفهوم حق بودن به مفهوم حق داشتن تبدیل شد. این مفهوم نیز بر اساس سه دیدگاه تحول مفهومی یافت: ۱- دیدگاه قدرت‌محور که در اینجا بر توان و قدرت عملیاتی فرد تأکید می‌شود؛ ۲- دیدگاه آزادی‌محور که بر ارزش آزادی متکی است. در این دیدگاه، «فرد» به‌مثابه «حاکمی» نگرسته می‌شود که می‌تواند به‌دلخواه خود عمل کند (نسل نخست حقوق بشر). حق‌های مدنی و سیاسی را با اندکی تسامح می‌توان در این دسته جای داد؛ ۳- دیدگاه نفع‌محور که حق را به‌معنای امکان بهره‌مندی از برخی کالاها و خدمات می‌دند (نسل دوم حقوق بشر). حق‌های اجتماعی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می‌توان مترادف با این معنا دانست (کاتوزیان و دیگران، ۱۳۸۵: ۱). هرچند هیچ‌یک از دیدگاه‌های پیش‌گفته به‌طور مطلق پذیرفتنی نیست، ترکیبی از این سه دیدگاه را می‌توان شالوده اندیشه حق دانست. بدین ترتیب، در مورد مفهوم حق ابهام‌های بسیاری وجود دارد:

**اول:** از یک دیدگاه، حق‌ها به حق‌های پساسیاسی و پیشاسیاسی تقسیم می‌شوند. حق‌های پیشاسیاسی حق‌هایی هستند که پیش از تشکیل جامعه‌ها و استقرار نظام سیاسی وجود دارند. نمونه برجسته و شاید تنها مصداق این حق‌ها، داشتن حق است؛

**دوم:** از منظر دیگر، منشأ حق‌ها متفاوت و گاه مزاحم‌اند. بر این اساس، چهار منشأ آن درباره حق‌ها شمرده شده است: خداوند، فطرت یا طبیعت انسان، قرارداد اجتماعی و دولت. درباره اهمیت هر یک از این مبانی نظریه‌های مختلفی وجود دارد؛

**سوم:** از منظری دیگر، قواعد حقوقی به قواعد نخستین و دومین تقسیم می‌شوند. از دیدگاه هارت، قواعد نخستین قواعدی هستند که به‌طور مستقیم به تنظیم و کنترل رفتاری پردازند مانند منع دزدی و خشونت قواعد دومین قواعدی هستند که به تعیین، اصلاح و اعمال قواعد دیگر می‌پردازند (سیوند، ۱۳۸۱: ۴۴). تفکیک قواعد حقوق شهروندی از این جهت نیز ایراد دارد؛

**چهارم:** حق‌ها معناها و کار ویژه‌های مختلفی هم دارند. تفکیک سم هوفل دادرس و فیلسوف آمریکایی در این باره از معتبرترین نگرش‌ها به مفهوم بنیادین حق است. تقسیم چهارگانه معروف وی از شامل حق مطالبه، حق امتیاز، حق قدرت و حق مصونیت (وسمن، ۱۳۸۱: ۱۰۲۰۲). نشان‌دهنده آن است که حق‌ها از نظر جنس، نوع، شدت، متلازم‌ها و متضادها گونه‌گون بوده و بر همین اساس چگونگی تفکیک آن‌ها از یکدیگر و تعیین شخص مسئول در قبال آن‌ها دشوار است.

#### ۲- ابهام در مفهوم تکلیف

تکلیف نیز مانند حق مفهومی مبهم است. این واژه که گاه آن را با واژگانی مانند حکم و مسؤولیت یکسان انگاشته‌اند، از جهت مفهومی تعبیرهای مختلفی دارد؛ گاه آن را برآیند حق دانسته و در این مفهوم هرکجا حقی هست، وجود تکلیف نیز مفروض دانسته شده است. گاه وجه تمایز تکلیف را با مفهومی مانند حق در آن دانسته‌اند که تعیین حق نیازمند وجود جامعه و افراد انسانی است، حال آنکه تکلیف ریشه در ذات فرد داشته و هر فردی هرچند تنها دارای تکلیف‌هایی است. در منشور حقوق و تکالیف زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران. مصوب جلسه ۵۴۶ مورخ ۳۱ / ۶ / ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی که به‌تازگی در قالب ماده‌واحدی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و لازم‌الاجرا شد، نیز عدم کاربرد درست این موارد مشاهده می‌شود.

#### ۳- ابهام در مفهوم شهروند

مسئله نخست در مورد شهروندی آن است که به گمان برخی بحث درباره حقوق بشر ممکن است هم در حوزه علمی و هم در حوزه سیاسی جای بحث درباره حقوق شهروندی را بگیرد و افزایش نقش حقوق بشر نشانه پایانی بر شهروندی به‌منزله مفهومی سودمند است، حال آنکه تحلیل نقطه ضعف‌های استدلال طرفداران این تفکر نشانه می‌دهد که حقوق بشر نمی‌تواند جای حقوق شهروندی را بگیرد (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۸۱). مسئله دوم آنکه، دانش ما درباره شهروندی بیش‌تر ناشی از مطالعه نوشته‌های متفکران غربی مانند ارسطو، افلاطون، هابز، روسو و دیگران است که در سال‌های اخیر به بحث رایج در جامعه‌ها تبدیل شده است. بنابراین، ارائه مفهومی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی از شهروندی امری دشوار است. شهروند در نظریه شهروندی لیبرالی مارشال (Marshall, 1998: 50) شأنی ارزانی داشته شده به‌عضای کامل یک جامعه تعریف می‌شود و تحقق آن منوط به دسترسی کامل شخص به حق‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی دانسته

شده است. باوجوداین، یووال دیویس<sup>۱</sup> در مقاله زنان، شهروندی و تفاوت با نگاه جنسیتی به شهروندی برخی از مسائل عمده را که بررسی‌شان در قرآتی جنسیتی از شهروندی لازم است، مطرح می‌کند. به باور وی، شهروندی‌ها با یکدیگر فرق می‌کنند و این تفاوت‌ها لزوماً به معنای بهتر یا بدتر بودن نشانه نیست؛ گرچه در جامعه مردم‌سالار این زنان هستند که معمولاً حقوقشان پایمال شده و در بدترین موقعیت قرار می‌گیرند. با توجه به این امر، به نظر دیویس، مطالعه تطبیقی شهروندی اگر قرار است دمکراتیک باشد و باورمند به برابری حق‌های عمومی، باید مسأله شهروندی زنان را نه فقط در برابر شهروندی مردان که درعین حال در ارتباط با تعلق زنان به گروه‌های مختلف تحت سلطه و سلطه‌گر، قومیت آنان، شهری یا روستایی، مهاجر و پناهنده بودنشان نبیند. این مطالعه تطبیقی باید موقعیت‌های جهانی و فراملیتی این شهروندی‌ها را به حساب آورد. او ویژگی «غرب‌محور و کور نسبت به جنسیت» متعلق به بسیاری از نظریه‌پردازان‌های رایج در مورد شهروندی را نقد می‌کند. بحث او به‌ویژه بر مسائل عضویت در جامعه، حق‌های گروه‌ها و تفاوت اجتماعی و شیوه‌های ساخته‌شدن تقابل‌هایی مانند عمومی/ خصوصی و فعال/ منفعل برای تفاوت ایجاد کردن میان انواع شهروندی متمرکز است. به نظر او، برای آن‌که بتوان شهروندی آدم‌ها را درست تحلیل کرد به‌ویژه در این روزگار قومی‌شدن از یک‌سو و جهانی‌شدن از سوی دیگر با سرعتی که روابط میان دولت‌ها و جامعه‌های مدنی در حال تحول است شهروندی در بهترین حالت باید به شکل ساختی چندلایه تحلیل شود که هم‌زمان برای عضویت آدم‌ها در انواع گروه‌های کوچک و بزرگ کاربرد داشته باشد. به این ترتیب، او انواع شهروندی‌ای را مطرح می‌کند که معیار آن‌ها بیش از آنکه تطبیق یا عدم تطبیقشان با الگوی مرد فعال مستقل و بهره‌مند از شأن یک شهروند باشد، پیوندی است که فرد با گروه خود، اعم از خانواده، جامعه کوچک محلی، جامعه قومی، ملت، دولت و جهان برقرار می‌کند. تأکید دیویس بر پیوند اشخاص با جامعه کوچک خود است که مردسالاری آن را نشانه عدم استقلال و وابستگی می‌داند و زنان را هم به بهانه تابع همین پیوندها بودن از حقوق شهروندی کامل محروم می‌کند (Yaval, 1997: 27).

### گستره حقوق شهروندی

با توجه به توضیحات گذشته، حقوق شهروندی در معنای اعم، دربرگیرنده حقوق و تکالیف شهروندان در قبال یکدیگر، جامعه و دولت است. حقوق شهروندی به معنی اخص کلمه، شامل دریافتی‌های شخص و تکالیف وی شامل پرداختی‌های وی از این رهگذر است.<sup>۲</sup> از نمونه‌های دریافتی حقوق شهروندی، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. حفاظت از جان، مال، پیشه، کار، حقوق و امنیت شهروندان که بر عهده پلیس، دستگاه قضایی و نیروهای مسلح و دیگر اجزاء مربوطه دولت است.
۲. بهداشت و سلامتی: آب و غذای سالم، بازرسی از شیر و گوشت، نگهداری از بیمارستان‌ها.
۳. آموزش: مدرسه‌ها و کتابخانه‌های عمومی.
۴. نگهداری، تعمیر و ساخت جاده‌ها، بزرگراه‌ها و خیابان‌ها.

### 1- Yuval Davis

۲- در یکی از خطبه‌های امیر مومنان علی (ع)، اشاره زیبا به حقوق و تکالیف حاکم و مردم مشهود است: «مردم؛ مرا بر شما شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم و حقی که از بیت المال دارید بگذارم، شما را تعلیم دهم تا نادان ننماید و آداب آموزم تا بدانید. اما حق من بر شما این است که به بیعت وفا کنید و در نهان و آشکار، حق خیرخواهی ادا کنید. چون شما را بخوانم بیابید و چون فرمان دهم بپذیرید و از عهده برآیید». نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، نشر قلم ۱۳۶۸، خطبه ۳۴. ص ۳

۵. حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل‌ها و محیط زیست.

۶. حفاظت از پس‌اندازها، با بازرسی از بانک‌ها و ضمانت حساب‌های بانکی.

البته، این موارد شامل همه نمونه‌ها نبوده و تنها بیانگر مصادیق مهمی است که می‌تواند گستره موضوع را روشن‌تر کند. از میان نمونه‌های بالا، آموزش اهمیت فراوانی دارد که مشتمل بر دو عرصه است؛ یکی آموزش عمومی و دیگری آموزش حقوق شهروندی. حق آموزش در معنای اعم، شامل جنبه عمومی آموزش است<sup>۱</sup>، اما آموزش حقوق شهروندی به‌طور اخص، به شهروندان می‌آموزد چگونه فعال، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشند. در واقع، مبنای این آموزش‌ها، پرورش شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه الگوی شهروندی نیست، بلکه به آنان می‌آموزد چگونه تصمیمات خود را با توجه به حقوق و تکالیفشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند. تربیت شهروندی، یکی از فروع شهروندی است که با توجه به تحولات سریع اجتماعی، فن‌آوری و سیاسی دوران معاصر، از جمله دل‌مشغولی‌های برنامه ریزان و سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان به شمار می‌آید (زهرانژاد، ۱۳۸۶: ۷۲). در برخی کشورها، مفاهیم شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می‌دهد. در انگلیس، از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن به‌طور رسمی در برنامه درسی مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش‌ها، عموماً موارد ذیل است:

- ✓ آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی (آشنایی با قوانین و مقررات).
- ✓ بحث و بررسی درباره سرفصل‌ها و موضوعات مهم شهروندی (آگاهی‌رسانی از طریق رسانه‌های گروهی).
- ✓ فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی
- ✓ مشارکت فعال در برنامه‌های اجتماعی یا گروهی و سهمیم کردن شهروندان در تأمین حقوق شهروندی ایشان (مانند ایجاد آمادگی برای اجرای حقوق شهروندی در مواقع اضطراری که دخالت دولت و پلیس میسر نیست، مانند زلزله).

یکی از مؤثرترین راهکارهای رفع چالش پلیس در زمینه حقوق شهروندی را باید در این قسم از آموزش جستجو کرد اگر پلیس به اقتضای وظیفه‌ای که بر عهده دارد، افراد زیرمجموعه خود، به‌ویژه کارکنانی که با ارتباط مستقیم با شهروندان دارند و احتمال نادیده گرفتن حقوق شهروندی از جانب ایشان می‌رود، با حقوق شهروندان آگاه کرده و لزوم احترام به این حقوق را به ایشان یادآور شود، کمتر شاهد تضييع حقوق شهروندی از جانب زیرمجموعه خود خواهد بود.

از سوی دیگر، اگر آموزش حقوق شهروندی به شهروندان توسط پلیس صورت گیرد و یادآوری شود که حقوق شهروندان تا زمانی مورد حمایت است که به حقوق و آزادی‌های دیگر شهروندان و امنیت اجتماع تعرض نشود، اقدامات پلیس که به‌ظاهر مخالف حقوق شهروندی و به‌واقع، در راستای تأمین حقوق شهروندی است، مورد ایراد و انتقاد قرار نخواهد گرفت. در بخش پرداختی‌ها نیز حقوق شهروندی یا به تعبیر دقیق‌تر، وظایف شهروندی، مشتمل بر دودسته داوطلبانه و اجباری است. در چارچوب وظایف داوطلبانه، شهروندان به‌طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی عضویت و فعالیت دارند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در دادرسی‌های علنی، هیئت منصفه یا هیئت‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و

۱- این حق در آموزه‌های دینی مانند آنچه در خطبه ۳۴ امیر المومنین (ع) گذشت و نیز بند ۳ از اصل ۳ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است.

هم‌چنین، یافتن مشکلات و راه‌حل آن‌ها، از نمونه‌های این بخش است. عقیده بر این است که اجتماعات محلی و نهادهای مردم‌محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آن‌ها در جوامع، نقش مؤثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند (زهرانژاد، ۱۳۸۶: ۶۰).

وظایف اجباری نیز شامل موارد ذیل است:

۱. رأی دادن: حق رأی در عین حالی که از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌گردد، اما در واقع، امتیاز نیز هست. کسانی که رأی نمی‌دهند، صدایشان در دولت شنیده نمی‌شود.
- این نیز جزء حقوق شهروندی است که قبل از هر رأی‌گیری، اطلاعات مربوط به موضوع یا نامزدها باید به صورت شفاف به اطلاع شهروندان برسد.
۲. خدمت نظام وظیفه: در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می‌شود. در زمان صلح نیز به صورت خدمت اجباری سربازی یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می‌شوند.
۳. احترام به قانون و حقوق دیگران: هر شهروندی باید از قوانین کشوری که در آنجا زندگی می‌کند، پیروی کند و به حقوق دیگران احترام بگذارد.
۴. پرداخت مالیات: شهروندان موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و راستی می‌باشند.

پلیس، ذینفع برخی از پرداخت‌های حقوق شهروندی است. این ذی‌نفعی، گاهی مستقیم (خدمت نظام وظیفه در نیروی انتظامی) و گاهی غیرمستقیم است. مانند ضرورت احترام به حقوق دیگر شهروندان که توسط پلیس تضمین می‌شود.

### چالش‌های پلیس با حقوق شهروندی

قسمت عمده چالش‌های پلیس با شهروندان، در ایفای نقش پلیس به‌عنوان ضابط قضایی بروز می‌کند. حقوق شهروندی که به‌عنوان متهم در اختیار نیروی انتظامی یا پلیس قرار می‌گیرد، محل چالش است. از یک‌سو، متهم و حتی مجرم، دارای حقوق ویژه‌ای است که برآمده از حقوق شهروندی است. از سوی دیگر، متهم ممکن است مجرم نباشد و نمی‌توان به‌صرف اتهام شخص، حقوق شهروندی وی را نادیده گرفت. برای شناسایی و صیانت از حقوق شهروندی متهم که باید از سوی پلیس مورد ملاحظه قرار گیرد، می‌بایست به قوانین لازم‌الاجرائی که در این خصوص تصویب شده است، مراجعه کرد.

با این توضیح، نگاهی به حقوق متهم در نوشتارهای قانونی، می‌تواند مرز حقوق شهروندی را در نظام حقوقی کشورمان نشان دهد.

۱. بایسته‌های آموزشی حقوق شهروندی برای پلیس

آموزش حقوق شهروندی برای پلیس، در بسیاری از عرصه‌ها ضروری است، همچنان که برخی از این موارد در برنامه‌های آموزشی نیروی انتظامی قرار دارد. با توجه به این‌که، نکته چالش برانگیز، چگونگی برخورد با متهمین است، در اینجا با تأکید بر حقوق متهم، نکات آموزشی حقوق شهروندی که در مقررات منعکس است، به اختصار بیان می‌شود. هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، حق دارد بیگناه فرض شود، مگر اینکه مجرمیت (مقتضوبدن) او بر اساس قانون محرز شود (اصل ۳۷ قانون اساسی). در اسناد بین‌المللی نیز به این حق شهروندی اشاره شده است (بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر).

هر متهمی حق دارد از مأموری که قصد جلب او را دارد، بخواهد مدارک شناسایی خود و نیز دستور قضایی متضمن دستگیری‌اش را به او نشان دهد.

متهم حق دارد در مقابل پرسش‌های دادگاه با مرجع تعقیب یا تحقیق، سکوت اختیار کند (مواد ۱۲۹ و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری).

هر متهمی حق دارد از مأموران بازجو بخواهد در اولین فرصت به خانواده وی اطلاع دهند تا از سرنوشت او مطلع شوند و در صورت لزوم، برای آزادی او وثیقه یا کفیل آماده کنند. (بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی).

متهم حق دارد ظرف ۱۰ روز به قرار بازداشت خود اعتراض کند تا مرجع بالاتر بلافاصله و در وقت فوق العاده به آن رسیدگی نماید. این حق طبق قانون باید به متهم تفهیم شود (ماده ۳۳ و تبصره ماده ۱۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری و شق ۲ بند (ن)، ماده ۳ قانون احیای دادرسی، مصوب ۱۳۸۱).

چنانچه قرار التزام یا کفالت یا وثیقه برای متهم صادر گردید، او حق دارد با التزام یا معرفی کفیل متمکن و یا تودیع وثیقه، حسب مورد، بلافاصله آزاد شود (تبصره ماده ۱۳ و ماده ۱۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری).

هر متهمی حق دارد بداند هیچ یک از ضابطین دادگستری بدون مجوز قضایی و بدون رعایت ترتیبات قانونی، مجاز نیستند وارد منزل او شده و آنجا را بازرسی و تفتیش نمایند (اصل ۲۲ قانون اساسی، ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی، مواد ۹۶ و ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری).

لازم است متهم بداند هیچ یک از ضابطان دادگستری حق بازداشت او را ندارند، مگر در جرائم مشهود و در هر حال، باید در نخستین فرصت (حداکثر ۲۴ ساعت) مراتب را به اطلاع مقام قضایی برسانند (ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری).

متهم حق دارد حداکثر ظرف ۲۴ ساعت، از اتهام و دلایل آن مطلع شود. مرجع قضایی مکلف است ظرف مهلت مذکور آن را به وی تفهیم کند (اصل ۳۲ قانون اساسی و ماده ۱۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری).

متهم حق دارد پس از خاتمه تحقیقات مقدماتی، پرونده اتهامی خود را مطالعه و از تمامی محتویات آن مطلع شود (ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری).

هر متهمی حق دارد از قاضی دادرسی یا دادگاه بپرسد و بداند به چه اتهامی و به استناد چه دلایلی احضار یا جلب شده است (ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری).

هر متهمی حق دارد از پاسخ دادن به پرسش‌های مراجع کشف جرم و تعقیب که ارتباطی به جرم و تعقیب ندارد و مربوط به امور شخصی و خانوادگی اوست، خودداری کند (بند ۱۱ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی).

هر متهمی حق دارد از دادگاه بخواهد به‌طور علنی به اتهام او رسیدگی کند، مگر در مواردی که قانون خلاف آن را تصریح نماید (ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری).

هر متهمی حق دارد فرصت و تسهیلات کافی برای تهیه و تدارک دفاع و انتخاب وکیل و ارتباط با وکیل منتخب خود داشته باشد (مواد ۱۸۵ و ۱۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری، بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی).

هر متهمی که به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد، حق دارد جبران خسارت خود را از مراجع ذی ربط بخواهد (بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی و به مناط اصل ۱۷۱ قانون اساسی).

متهم حق دارد در حدود قانون به حکم محکومیت خود اعتراض و از دادگاه بالاتر تقاضای تجدید نظر نماید (شق ۵ بند ه). ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی، حقوق مدنی و سیاسی و مواد ۲۳۲ و ۲۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری).

متهم حق دارد از دادسرا یا دادگاه بخواهد پرسش‌های او هم از شهود شاکی مطرح گردد؛ بلکه بتواند بی‌گناهی خود را ثابت کند.

هر متهم نابالغ و نوجوان این حق را دارد که در دادگاه ویژه‌ای به اتهام او رسیدگی و در صورت بازداشت یا محکومیت، در محلی جدا از متهمان یا محکومان بزرگسال نگهداری شود (بند ب ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲۱۹ و تبصره ماه ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری).

متهم حق دارد در صورت صدور رأی براءت، تعلیق مجازات او، قرار موقوفی یا منع تعقیب، بلافاصله رفع اثر از قرار تأمین کیفری (وثیقه) و نیز در صورت بازداشت، آزادی بی‌قید و شرط خود را از مرجع قضایی رسیدگی کننده، بخواهد (مواد ۱۴۴ و ۲۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری).

در راستای یادآوری تکالیف پلیس در رعایت حقوق شهروندی، احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۳، ۲، ۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است؛ نیز به نکات ذیل می‌توان اشاره کرد:

ماده واحده از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجرا کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

- ۱- کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیق شخصی و سوء استفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.
- ۲- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.
- ۳- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.
- ۴- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایزای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.
- ۵- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.
- ۶- بازرسی‌ها و معاینات محلی، برای دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.



۷- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر، ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده، بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۸- تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۹- پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۰- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القا ایجاد نگردد.

۱۱- حاکم و دادسراها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۲- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها، نسبت به اموال و اشیای تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آن‌ها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است، در حفظ و مراقبت از آن‌ها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آن‌ها استفاده شخصی و اداری به‌عمل آید. باوجود تصویب قانون فوق‌الذکر، بنا بر پیش‌بینی نشدن ضمانت اجرای تخلف از مفاد آن، در پیش‌نویس قانون آئین دادرسی کیفری که برای تصویب در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرارداد، ضمانت اجرای تخلف از قانون یادشده به شرح ذیل آمده است:

ماده ۷: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، اعم از کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای آراء، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» و سایر قوانین، از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات واردشده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

در صورت تصویب این ماده، ضمانت اجرای تخلف از «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» دامن‌گیر متخلف خواهد شد.

البته، بر اساس ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، که هم اکنون نیز قدرت اجرایی دارد «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد» (اصلاحی مطابق قانون اصلاح ماده (۵۷۰). قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۸۱).

۲. آموزش راهکار برون‌رفت از چالش

بنا بر آنچه گذشت، در حقوق کنونی ایران، مقرراتی برای صیانت از حقوق شهروندی وجود دارد که هرچند نیازمند پیش‌بینی جزئیات بیشتری است، اما در حد خود، قابل قبول است.

با این بیان به پاسخ پرسشی که در مقدمه آمد می‌پردازیم. گفتیم؛ بر اساس چه ملاک و معیاری حقوق شهروندی حمایت‌شده را باید تعیین کرد و سلب این حقوق چگونه است؟ پلیس در انجام وظائف خود چگونه عمل کند تا به دو مصلحت متقابل یعنی تضمین حقوق شهروندان و ممانعت متعاضین از تعرض به حقوق شهروندان دست یابد؟ برای ارائه معیار و ملاک به پلیس برای برون‌رفت از چالش پیش‌روی خود در انجام وظایف، بدون اینکه در مظان اتهام تضییع حقوق شهروندی قرار گیرد، باید به قوانین و مقررات مراجعه کرد. به دیگر سخن، مهم‌ترین معیار تعیین و تشخیص حقوق شهروندی، قوانین و مقررات اعم از قوانین اساسی و عادی و حتی مصوبات مراجع ذی‌صلاح برای تعیین حقوق حمایت‌شده شهروندی است.

البته، ممکن است به مصوبات بیرونی مانند منشورها و معاهدات حقوق بشری نیز اشاره شود، اما اگر معاهده‌ای توسط دولت ایران پذیرفته شده است، به این دلیل که در حکم قوانین کشور است، مجرا خواهد بود (برابر ماده ۹ قانون مدنی مقررات عهدی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است). والا توسل به این اسناد بین‌المللی در حقوق داخلی، نه‌تنها معیاری برای تعیین حقوق شهروندی نیست، بکه موجب بروز تشتت خواهد شد.

بنابراین، قوانین و مقررات، محدوده حقوق شهروندی را مشخص کرده و هر جا قانون اجازه تعرض را به پلیس ندهد، اقدام این نیرو ممکن است تعرض به حقوق شهروندی قلمداد شود.

نکته دیگر که به پرسش دوم برمی‌گردد، اینکه در سیاست‌گذاری پلیس باید جایگاه آموزش حقوق شهروندی به‌طور ویژه موردتوجه قرار گیرد.

به این مفهوم که شهروندان و نیروی پلیس باید از مقررات مربوط به حقوق شهروندان آگاه شوند و این امر میسر نمی‌شود مگر در صورتی که آموزش نسبتاً کاملی از سوی مسئولین امر به مردم و پلیس داده شود. مردم از حقوق و تکالیف شهروندی خود آگاه شده از آن تعدی ننمایند. پلیس نیز بداند که مرز حقوق حمایت‌شده شهروندان کدام است تا در نتیجه، حریم حقوق شهروندان همچنان ایمن بماند.

### نتیجه‌گیری

برقراری امنیت از مهم‌ترین وظائف پلیس و در راستای تکلیف دولت در قبال شهروندان مبنی بر تأمین حقوق شهروندی است و کارآمدی پلیس زمانی محقق می‌شود که این هدف تحقق یابد. پلیس برای نیل به این هدف و انجام دیگر وظایف خود، اقداماتی انجام می‌دهد که گاهی تعرض به حقوق شهروندی تلقی می‌شود. برای برون‌رفت از چالش پیش‌گفته، انجام برخی اقدامات و تدابیر نظری و عملی ضرورت دارد.

یکی از حقوق شهروندی، آموزش است که آن را به آموزش عمومی و آموزش حقوق شهروندی تقسیم کردیم. اهتمام به آموزش حقوق شهروندی برای پلیس و شهروندان در پیشگیری یا کاهش برداشتهای نادرست مؤثر است. از یک‌سو، ارائه پیشینه و مبانی حقوق شهروندی و محدودیت‌های امنیتی آن که ضرورت زندگی اجتماعی است، شهروندان را بر حد و مرز حقوقشان واقف می‌سازد و برای ایشان آمادگی پذیرش برخورد پلیس در صورت عدول از مرزهای مورد حمایت را به وجود خواهد آورد. از سوی دیگر، پلیس نیز با آموزش لازم درمی‌یابد که شهروند، حقوقی دارد که در حالت عادی یا در فرض طرح اتهام و حتی محکومیت به ارتکاب جرم، بازهم این حقوق توسط قانون‌گذار مورد حمایت قرار گرفته است. البته، گستره حقوق شهروندی به امنیت شهروندان خلاصه نمی‌شود. آزادی‌ها و دیگر حقوقی که ضروری زندگی یک شهروند است را نیز در بر می‌گیرد. باوجوداین، وظیفه پلیس در عرصه تأمین امنیت، نمود بیشتری دارد. از مطالب مطرح

شده، درمی‌یابیم که میان دو نظریه لیبرال و جمهوری‌گرا که اولی به تأمین حقوق شهروندی به معنی فردگرایانه و دومی به این مهم در معنای جامعه‌گرایانه تمایل دارد، نظریه اخیر ترجیح دارد؛ زیرا در این نظریه است که هر شهروند علاوه بر احساس داشتن حقوق شهروندی و تکالیف محوله، متمایل به گام برداشتن فعال در جهت دفاع از حقوق دیگر شهروندان بوده، نقش فعالی در صحنه‌های رسمی ایفا می‌کند. اوج فعال بودن در دفاع از حقوق شهروندی، در آموزش حقوق شهروندی متجلی می‌شود. هرچند پلیس، مرجع آموزشی نیست، اما آموزش حقوق شهروندی به پلیس و حتی اتخاذ تدابیری برای بالابردن آگاهی مردم نسبت به حقوق شهروندی، خارج از رسالت پلیس نبوده و حتی در راستای کارآمدی اوست. درعین‌حال، محوری که آموزش‌های مورد اشاره باید حول آن باشد، قانون است، زیرا از یک‌سو، پلیس مرجع آموزش صرف نیست که بخواهد مبانی نظری حقوق شهروندی را به مردم یا نیروهای خود آموزش دهد و از سوی دیگر، پلیس به‌عنوان ضابط قضایی، پاسبان اجرای قانون است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. اعلامیه اسلامی حقوق بشر
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر
۳. ایزدپرست، نورالله، (۱۳۶۱) گلستان سعدی، تهران، انتشارات شرکت دانش.
۴. بشریه، حسین، (۱۳۸۶) آموزش دانش سیاسی، چاپ هشتم تهران، نشر نگاه معاصر.
۵. خرمشاهی، بهاءالدین، (۱۳۸۸) ترجمه قرآن کریم، قم، نشر جامی.
۶. راسخ، محمد، (۱۳۸۱) ضرورت رو کبرد نظری به حقوق بشر بین‌المللی؛ سخنرانی در مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه تهران، در: گزارشی از گرامیداشت روز جهانی حقوق بشر؛ ۱۹ آذر در مرکز مطالعات حقوق دانشگاه تهران.
۷. شیروانی، رضا، (۱۳۸۸) جزوه حقوق بشر در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
۸. طباطبایی مومنی، منوچهر، (۱۳۸۸) آزادی عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. عبدالمقصود، عبدالفتاح، (۱۳۶۲) امام علی تاریخ تحلیلی قرن اول اسلام، ترجمه سید محمود طالقانی، جلد اول، طلوع خورشید، شرکت سهامی.
۱۰. عمید، حسن، (۱۳۶۳) فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۱. فالکس، کیث، (۱۳۸۱) شهروندی؛ ترجمه دلفروز، محمدتقی؛ نشر کویر.
۱۲. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۸۴) آینده پسا انسانی ما؛ ترجمه فقیه یثزاد، حبیب الله، انتشاراتی ایران.
۱۳. کاتوزیان، ناصر و دیگران، (۱۳۸۵) حکومت قانون و جامعه مدنی؛ انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۴۵) مبانی حقوق عمومی و احکام در اسلام؛ انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. کامیار، غلامرضا، (۱۳۸۲) حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۱۶. کاظمی، علی، (۱۳۸۶) مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، بهار.
۱۷. ممتاز، جمشید، (۱۳۷۰) حقوق بشر در پرتوی تحولات بین‌المللی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۱۸. منوچهری، عباس، (۱۳۸۴) عقل سرخ و حق سبز: انسان شناسی اشرافی و حقوق بشر حداکثری، مبانی نظری حقوق بشر؛ در: مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، دانشگاه مفید، مرکز مطالعات حقوق بشر.
۱۹. ولمن، کارل، (۱۳۸۱) مفهوم حق: سم هوفلد؛ حق و مصلحت؛ انتشارات طرح نو.
۲۰. امیرالمونین علی(ع) (۱۳۶۸) نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، نشر قلم.
۲۱. آذر داد، لادن، (۱۳۸۹) جایگاه شهروندی در مراجع شبه قضایی، تهران، چاپ اول، انتشارات جاودانه.
۲۲. اصلاحی مطابق قانون اصلاح ماده (۵۷۰). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۸۱
۲۳. افلاطون، (۱۳۵۵) جمهوریت، ترجمه فؤاد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.

۲۵. جنیدی، فریدون، (۱۳۷۰) **حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان**، انتشارات نشر.
۲۶. حسینی، مجید، (۱۳۸۵) **پایان نامه حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
۲۷. دورانت، ویل آریل، (۱۳۶۵) **تاریخ تمدن**، تهران گروه مترجمین، چاپ اول، جلد چهارم، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی ایران.
۲۸. رضایی پور، آرزو، (۱۳۸۸) **مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سپهر ادب.
۲۹. ساکت، محمد حسین، (۱۳۷۱) **حقوق شناسی**، تهران، نشر نخست.
۳۰. سیموند، زنیلای، (۱۳۸۱) **فلسفه حقوق**، در: حق و مصلحت، ترجمه و تألیف راسخ، محمد؛ انتشارات طرح نو.
۳۱. تیمی آمدی (بی تا) **عبدالواحد، غررالحکم**، قم، دارالکتب الإسلامی.
۳۲. **قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی**
۳۳. **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**
۳۴. **قانون آیین دادرسی کیفری**
۳۵. **قانون مجازات اسلامی**
۳۶. **قانون مسؤلیت مدنی**
۳۷. کاتوزیان، ناصر، **مقدمه علم حقوق**، چ. دوازدهم.
۳۸. کلزیال، ژان، (۱۳۷۶) **امنیت، پلیس و جرم**، ترجمه علی اوسط جاویدزاده، نشریه امنی.
۳۹. منصور، **جهان گیر**، (۱۳۸۵) **جهانگیر**، چاپ بیست و پنجم، قانون مدنی، انتشارات دوران.
۴۰. **میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی**
۴۱. ناصرزاده، هوشنگ، (۱۳۷۲) **اعلامیه جهانی حقوق بشر**، انتشارات جهاد سازندگی
۴۲. هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۸۴) **حقوق بشر و آزادی اساسی**، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۴۳. زهرانژاد، بهرام، (۱۳۸۶) **مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»**، شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن.
۴۴. شکر، نادر (۱۳۸۶) **مجموعه مقالات همایش «نظارت همگانی، شهروندی و توسعه سازمانی»**، شهرداری تهران و دانشکده مدیریت، بهمن.
۴۵. کلی کیت اس. پیس (۱۳۸۳) «حقوق بشر و سازمانهای بین‌المللی»، **فصلنامه راهبرد**، بهار. ش. ۲۳.
۴۶. میلر، دیوید (۱۳۸۳) «حقوق بشر و شهروندی مقید به مرز»، **فصلنامه راهبر**، بهار، ش. ۲۳.



(ب) لاتین

1. Huntington, S, (1998)., **The Clash of Civilization& the Remaking of the old Order**, London: Touchstone.
2. Marshall, T.H, (1987)., **Citizenship& Social Class**, Pluto Classic.
3. Yuval-Davis, (1997)., **Women, Citizenship& difference**, in: Feminist Review, Volume 57, Number 1, September I, Routledge.



جایگاه آموزش حقوق شهروندی بر  
کاهش خشونت پلیس

۴۶

فصلنامه سیاست

سال پنجم | شماره هجدهم | تابستان ۱۳۹۷